

آن که در پاسخ به ندای درون فارسی آموخت

محسن شجاعی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال)

روز یکشنبه، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۲ برابر با ۲۶ آذرماه ۱۳۹۱ یوری آرونوویچ روبینچیک، ایران‌شناس برجسته روس، در نودسالگی و پس از تحمل یک دوره بیماری طولانی درگذشت. روبینچیک متولد ۱۰ نوامبر ۱۹۲۳ / ۱۳۰۲ در مسکو بود.

او که در دشوارترین سال جنگ با آلمان، یعنی سال ۱۹۴۱، به عنوان سرباز پیاده در نبردهای اطراف مسکو شرکت کرده بود، در سال ۱۹۴۲ / ۱۳۲۱ در دانشکده نظامی انستیتوی خاورشناسی مسکو پذیرفته شد. این دانشکده بعدها در انستیتوی نظامی زبان‌های خارجی ارتش سرخ ادغام شد. در آنجا روبینچیک می‌توانست هریک از زبان‌های شرقی را انتخاب کند. بسیاری ترکی استانبولی، چینی و هندی را برمی‌گزیدند، اما روبینچیک فارسی را انتخاب کرد. وی بعدها در این باره گفت: «غریزه‌ام به من می‌گفت باید دقیقاً فارسی بیاموزم. ایران همواره برای من کشور بسیار جالبی بود، کشوری با پیوندهای فراوان با تاریخ و فرهنگ روسیه. من هم فارسی را انتخاب کردم» (Соболева 2012, p. 16).

روبینچیک انستیتوی نظامی زبان‌های خارجی را با دریافت مدرک تحصیلی «سرخ» که به دانش‌آموختگان ممتاز داده می‌شد، به پایان رساند و بلافاصله نیز در همان انستیتو به تدریس پرداخت. در ۱۳۳۲ / ۱۹۵۳ از پایان‌نامه دکترای خود دفاع کرد که در سال ۱۳۳۸ / ۱۹۵۹ با عنوان «جمله‌های مرکب دارای جملات پیرو وابسته در زبان فارسی معاصر» منتشر شد. اما نخستین اثری که از وی به چاپ رسید، کتابی آموزشی با عنوان دوره مقدماتی زبان فارسی معاصر است که آن را در سال ۱۳۳۰ / ۱۹۵۱ با همکاری گرانت واسکانیان، دیگر ایران‌شناس و فرهنگ‌نویس برجسته، تألیف کرد.

سفرهای وی به ایران نخستین بار در ۱۹۵۸ و آخرین بار در سال ۲۰۰۲ انجام شد، اما سفر چهارماهه‌اش به ایران در ۱۹۶۸ و به دعوت یونسکو، برای وی بیشترین ثمرات را داشت (همانجا). در همین سفر با کسانی مانند پرویز ناتل‌خانلری و سید جعفر شهیدی آشنایی نزدیک یافت.

یوری آرونوویچ روبینچیک استاد بسیاری از ایران‌شناسان کنونی روسیه بوده است. وی سالیان دراز در انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقای دانشگاه مسکو و نیز در دانشگاه زبان‌شناسی مسکو به تدریس فارسی اشتغال داشت.

روبینچیک این سال‌های پایانی را در آسایشگاه سالمندان ویژه اعضای فرهنگستان علوم روسیه می‌گذراند. با این‌همه پیش از آن، در دیدارهایی که نگارنده در سال‌های تحصیل در مسکو با وی داشت، با وجود کهولت و دشواری در راه رفتن که پس از حادثه زمین خوردنش تشدید نیز شده بود، برای حضور در همایش‌ها و گردهم‌آیی‌های گوناگون از پله‌های ساختمان‌های کهنه و غالباً بدون آسانسور مراکز خاورشناسی و دانشگاه‌های علوم انسانی مسکو با شور و شوق، اما به سختی، بالا می‌رفت. از اینکه دو کتاب از کتاب‌های وی در ایران نقد و معرفی شده است (← بخش‌های بعدی)، بسیار خرسند بود و با وجود انتقاداتی که در دومین نقد از کتاب او شده بود، همه جا نگارنده را «دوست خوب خود» معرفی می‌کرد.

از ویژگی‌های نوشته‌های روبینچیک، که از همان نخستین آثار وی به چشم می‌خورد، یکی آن است که در بحث از زبان فارسی معاصر همواره اشاره‌ای نیز به دیگر زبان‌های ایرانی می‌کند، روشی که ظاهراً ناشی از شیوه کرسی‌های ایران‌شناسی در روسیه بوده که غالباً «کرسی فقه‌اللغه ایرانی» (кафедра иранской филологии) یا

همان «زبان‌ها و ادبیات ایرانی» نام دارند. به عنوان نمونه در مقدمه کتاب چاپ ۱۹۵۹ خود که دربارهٔ جمله‌های مرکب در زبان فارسی است، با شاهد آوردن زبان‌های فارسی و تاجیکی و آسی می‌گوید که در بحث جمله‌های مرکب در زبان‌های ایرانی مسائل فراوانی وجود دارد که نه تنها حل نشده‌اند، حتی مطرح نیز نشده‌اند (Rubinчик 1959, p. 4). این روش را در آخرین کتاب وی نیز می‌توان مشاهده کرد. برای مثال آنجا که می‌کوشد فارسی، فارسی افغانستان و فارسی تاجیکی را نه یک زبان، بلکه مطابق دستگاه اصطلاحات خود، زبان‌های «خویشاوند نزدیک» (близкородственные языки) بداند (روبینچیک ۱۳۹۱). جالب است که در ادامه ادعای بدیعی نیز مطرح می‌کند که «[پس از سدهٔ ۱۶ میلادی / ۱۱ هجری] مرکز شکل‌گیری زبان ادبی از شمال شرق آرام‌آرام به جنوب غرب ایران، به استان فارس منتقل می‌شود» (همان، ص ۱۲). حال آنکه در دورهٔ تاریخی مورد بحث که دیگر مدت‌ها از تثبیت زبان فارسی به عنوان زبان ملی و مشترک در بخش‌های گوناگون ایران گذشته بود، به نظر نمی‌رسد که دیگر بتوان هیچ نقطه از ایران را «مرکز شکل‌گیری» زبان فارسی به‌شمار آورد.

دیگر ویژگی نوشته‌های روبینچیک پایبندی وی بر استفاده از آثار آن دسته از نویسندگان و دست‌نویسان ایرانی است که گویا در جوانی و آغاز یادگیری فارسی با آن‌ها مأنوس بوده‌است. اغلب شاهد‌های او همچنان از صادق هدایت، عبدالحسین نوشین، محمدعلی جمال‌زاده، بزرگ علوی و دیگرانی از همان نسل است.

همچنین با دستور پنج استاد، خیامپور، همایون فرخ و مانند آن‌ها مخالف است. در ویرایش نخست منبع معتبر زندگی‌نامه و کتابشناسی خاورشناسان شوروی که در ۱۹۷۵ / ۱۳۵۴ (بیش از ۳۵ سال پیش) منتشر شده (Милибанд 1975) بیش از شصت اثر روبینچیک فهرست شده‌است. اما در این اواخر آثار وی را تا بیش از ۱۵۰ عنوان ذکر کرده‌اند که البته شامل درسنامه‌ها نیز بوده‌است (Соболева 2012, p. 17). به هر حال روبینچیک کتاب‌های زیر را بهترین آثار منتشرشدهٔ خود دانسته‌است:

۱. دورهٔ مقدماتی زبان فارسی معاصر، چاپ ۱۹۵۱ / ۱۳۳۰ (که شرح آن در بالا آمد)،

۲. جمله‌های مرکب دارای جملات پیرو وابسته در زبان فارسی معاصر، چاپ

۳. زبان فارسی معاصر، چاپ ۱۹۶۰ / ۱۳۳۹ که در سال ۱۹۷۱ / ۱۳۵۰ با تغییرات اندکی به زبان انگلیسی نیز منتشر شد،

۴. مبانی اصطلاحات و ترکیب‌های ثابت در زبان فارسی، چاپ ۱۹۸۱ / ۱۳۶۰. این کتاب که در آن به تغییرات واژگانی در زبان فارسی پس از انقلاب نیز توجه شده، بر پایه رساله فوق دکتری روبینچیک به نگارش درآمده است،

۵. فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی، چاپ ۱۹۹۱ / ۱۳۷۰ که پیش‌تر به تفصیل معرفی شده است (← شجاعی ۱۳۷۱)،

۶. دستور زبان فارسی ادبی معاصر، چاپ ۲۰۰۱ / ۱۳۸۰ که باز پیش از این نقد و معرفی شده است (← شجاعی ۱۳۸۳). دستور زبان فارسی ادبی معاصر در همان سال ۲۰۰۱ جایزه «بهترین اثر انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم [روسیه] در سال ۲۰۰۱» را از آن خود کرد. این کتاب که به تازگی به فارسی ترجمه شده است (← روبینچیک ۱۳۹۱) و نقد ترجمه آن در شماره بعدی مجله دستور، ضمیمه نامه فرهنگستان، به چاپ خواهد رسید، در سال ۲۰۰۹ / ۱۳۸۸ در ایران برنده جایزه بین‌المللی فارابی شد.

۷. فرهنگ فارسی به روسی، در دو جلد، چاپ ۱۹۷۰ / ۱۳۴۹.

روبینچیک این فرهنگ بزرگ را که حدود ۶۰،۰۰۰ مدخل دارد، با کمک جهانگیر درّی، محمد نوری عثمانوف و هفت تن دیگر از ایران‌شناسان شوروی تدوین کرد. ابتکار این طرح از خاورشناس دیگری به نام گئورگی پتروویچ سردیوچنکو (۱۹۰۴-۱۹۶۵) بوده (Рубинчик 1970, p. 7) و روبینچیک درواقع سرپرست طرح و سروراستار آن بوده است. مجموعه برگه‌دان‌های متعددی نیز که ایران‌شناسان مختلف در سال‌های گوناگون گردآوری کرده بودند، با شروع طرح در اختیار گروه مؤلفان گذارده شد. به هرروی، این فرهنگ، چه در میان روسی‌آموزان ایران و چه در میان فارسی‌آموزان روسیه، به «فرهنگ روبینچیک» مشهور است. روبینچیک در مقدمه چاپ دوم می‌نویسد که کار گردآوری و تدوین مطالب در سال ۱۹۶۵ / ۱۳۴۴ به پایان رسیده بوده؛ بدین ترتیب کار چاپ و نمونه‌خوانی‌ها پنج سال به درازا کشیده بوده است. در پایان جلد دوم این فرهنگ هم شرحی کوتاه، اما روشن، از دستور زبان فارسی به قلم روبینچیک درج شده است.

چاپ دوم «فرهنگ روبینچیک» در سال ۱۹۸۳ / ۱۳۶۲ منتشر شد. روبینچیک در مقدمه این چاپ از انقلاب ایران می‌گوید و از دگرگونی‌های بنیادینی که به گفته وی «نمی‌توانسته در تحول واژگان زبان فارسی بی‌تأثیر باشد». او به این نکته اشاره می‌کند که هر چند کار به‌روزرسانی فرهنگ حتی پس از انتشار آن هیچ‌گاه متوقف نشده بود، اما «نیاز فراوان به این فرهنگ ما را ناگزیر ساخت تا از گنجاندن افزوده‌ها، تصحیحات و تغییرات در بدنه فرهنگ چشم پوشیده و به بازچاپ افسست همراه با پیوستی شامل واژه‌های نو بسنده کنیم». هم از این رو چاپ دوم با پیوستی از واژه‌ها و ترکیب‌های نو که در میانشان «شورای نگهبان»، «شهادت‌جو»، «صداسیما»، «ستاد بسیج اقتصادی»، «ساواک»، «ساواکی»، «مجلس خبرگان» و مانند این‌ها دیده می‌شود، منتشر شد. اما ظاهراً تنها کمبود وقت و «نیاز فراوان» باعث نشده بود تغییرات در بدنه فرهنگ گنجانده نشود. دو سال بعد، در سال ۱۹۸۵ / ۱۳۶۴ چاپ سوم فرهنگ، بدون تغییر و با شمارگان ۱۲۱۰۰ نسخه منتشر شد. همان‌گونه که فرهنگ روسی به فارسی واسکانیان نیز که پس از فروپاشی شوروی دو ناشر مختلف آن را چندین بار در روسیه بازچاپ کرده‌اند، هر بار با پیوستی شامل واژه‌های نو منتشر شده و ناشران روس از صرف هزینه و وقت برای حروف‌چینی و تنظیم دوباره فرهنگ سر باز زده‌اند.

«فرهنگ روبینچیک» را پس از فروپاشی شوروی اشخاص و ناشران گوناگون در ایران (البته بدون اجازه مؤلف) بارها چاپ و منتشر کرده‌اند.

در ارزیابی این فرهنگ باید به یاد داشت که در ایران پیش از انقلاب، که روسی‌آموزی بازار و دورنمایی نداشت، و حتی روسی‌دان‌ها و روسی‌آموزها زیر ذره‌بین دستگاه امنیتی وقت نیز قرار می‌گرفتند، برای هیچ‌کس نه به‌صرفه بود و نه عاقلانه که به تألیف فرهنگ روسی به فارسی یا فارسی به روسی بپردازد. با توجه به این واقعیت است که اهمیت فرهنگ‌های روسی به فارسی و فارسی به روسی معتبری که همگی آن‌ها در شوروی سابق تألیف شده‌اند، در آموختن زبان روسی، در خواندن متون گوناگون روسی و در ترجمه از روسی و به روسی آشکار می‌شود. در این میان فرهنگ «روبینچیک» چندین دهه مهم‌ترین فرهنگ فارسی به روسی بوده‌است. مدخل‌های فراوان این فرهنگ و ترکیب‌های پرشماری که در آن برای هر واژه ارائه شده، مطمئناً برای بسیاری از کاربران راهگشا بوده‌است.

از سوی دیگر، همان‌گونه که روبینچیک در مقدمهٔ چاپ نخست گفته‌است، در سال ۱۹۶۱ که کار تألیف این فرهنگ آغاز شده‌بود، فرهنگ‌های کارآمدی که بازتاب‌دهندهٔ واژه‌های زندهٔ زبان فارسی باشند، هنوز منتشر نشده بوده‌است. او به‌درستی می‌نویسد: «در این فرهنگ‌ها [= فرهنگ‌های موجود در آن زمان] واژگان و ترکیب‌های زبان گفتاری به میزان اندکی ارائه شده، اما مطابق معمول شمار فراوانی واژه‌های به‌اصطلاح دشوار، یعنی واژه‌های کم‌کاربرد و نامفهوم برای ایرانیان امروز، در آن‌ها گنجانده شده‌است، شبیه‌ای که ادامهٔ سنتی است پایدار در فرهنگ‌نویسی فارسی از روزگاران دور» (Рубинчик 1970, p. 8).

باری، از مهم‌ترین ویژگی‌های این فرهنگ در بر داشتن شمار فراوانی از ترکیب‌های کنایی فارسی است که خود نشانه‌ای است از علاقهٔ روبینچیک به مبحث ترکیب‌های ثابت که در زبان‌شناسی شوروی و روسیه آن را фразеология = phraseology می‌نامند. البته به گفتهٔ روبینچیک در مقدمهٔ چاپ اول، هنگامی که کار تألیف فرهنگ رو به پایان بوده، پ. آ. کلیوچنیکوف (که نگارنده سابقه‌ای از وی نیافت) برگه‌دانی شامل نزدیک به ۳۰۰۰ ترکیب کنایی را به مؤلفان می‌سپارد (Рубинчик 1970, p. 8). نتیجه آنکه به عنوان نمونه، مدخل «دست» با معانی و ترکیب‌هایش ده ستون (پنج صفحه) از فرهنگ را به خود اختصاص داده‌است.

دیگر آن که نام گل و گیاه به‌وفور در فرهنگ گنجانده شده‌است. به این نکته در مقدمهٔ فرهنگ نیز به عنوان یکی از نقاط قوت اشاره شده (Рубинчик 1970, p. 7)، اما دلیلی برای آن آورده نشده‌است. تنها با تورقی در حرف آ / الف به این کلمات برمی‌خوریم که به عنوان نام گیاهان معرفی شده‌اند: «أترج / اُترنج»، «أراک»، «آرتیشو»، «أرجان»، «آزاد»، «اسارون»، «اسپر»، «آفتاب‌گردان»، «آویشن»، «آگاو»، «آلالگان»، «آلش»، «امرود»، «أمله»، «آهوری». همین‌جا باید این نکته را یادآوری کرد که روبینچیک، در ردیف الفبایی، دو حرف «آ» و «الف» را یکی می‌شمارد و از این رو بر خلاف فرهنگ‌های چاپ ایران کلماتی را که با هر کدام از این دو حرف آغاز می‌شوند، یک‌جا ردیف می‌کند، روشی که در کتاب فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی نیز از آن دفاع کرده است (Рубинчик 1991, p. 204 & 205).

با آنکه روبینچیک در مقدمه چاپ نخست فرهنگ می‌گوید: «در این فرهنگ به میزان محدودی واژه‌های منسوخ و کم‌کاربرد نیز گنجانده شده‌است» (Rubinchik 1970, p. 6)، ظاهراً محدوده زمانی خاصی برای منسوخ دانستن واژه‌ها در نظر نبوده‌است: واژه‌های منسوخ و کم‌کاربرد در این فرهنگ کم دیده نمی‌شود، واژه‌هایی مانند «آبگرد» به معنای «گردآب»، «آثم» به معنای «گناهکار»، «آجال» به عنوان «جمع اجل»، «آنمی» به معنای «کم‌خونی»، «ابط» به معنای «زیربغل»، «احلیل» به معنای «آلت مردانه»، «اوتاکار» به معنای «اتوبوس بزرگ»، «باکالور» به معنای «لیسانس» و «کارشناس»، «خشکامار» به معنای «پژوهش» و واژه‌های دیگری مانند «اختصام»، «اختلاج»، و «اخراجات» بخش قابل توجهی از واژه‌های فرهنگ را تشکیل می‌دهند. طرفه آنکه در مقدمه چاپ نخست فرهنگ، روبینچیک خود سه فرهنگ فارسی به روسی را که پیش‌تر منتشر شده‌بوده‌اند، یک‌به‌یک معرفی و نقد می‌کند، اما برخی از نقاط ضعف این فرهنگ‌ها که وی در این مقدمه برمی‌شمارد، در فرهنگ خود او که این مطالب در مقدمه آن آمده‌است، دیده می‌شوند، از جمله نبود مثال برای معنی‌های گوناگون ذکرشده در فرهنگ، سرمدخل قرار دادن بسیاری از واژه‌های عمدتاً عربی که مدت‌ها پیش از زبان بیرون رانده شده‌اند و درج نشدن پاره‌ای از واژه‌های رایج زبان در این فرهنگ‌ها (Rubinchik 1970, p. 5 & 6).

نکته دیگر در این فرهنگ برخی ترجمه‌های نادرست یا ترجمه‌هایی بر پایه معنای قدیمی واژه‌ها است. برای نمونه:

● «پیاده‌رو» را به «پیاده‌رونده» (пешеход) نیز معنی کرده.

جنسی

● به عنوان معنای اول واژه «جنسی» واژه «طبیعی» (натуральный) ذکر شده است.

چگونگی

● جمله «چگونگی احوالتان را بنویسید» که به عنوان مثال در مدخل «چگونگی» آمده، به

پاسخنامه

● «پاسخنامه» با تکیه صرف به اجزای این کلمه به «پاسخ کتبی» (письменный ответ) و «جوابیه» (ответное письмо) ترجمه شده، درحالی‌که آنچه در فارسی «پاسخنامه» گفته می‌شود، به روسی «شابلون مخصوص پاسخ» (шаблон для ответов) نامیده می‌شود.

پیاده‌رو

بادام، فندق و مانند آن‌ها که مصداق «خشکبار»
 orehi = orekhi در فارسی هستند، در روسی
 گفته می‌شوند.

دورانداز

● «دورانداز» به «دورزن» (توپ دورزن) ارجاع
 داده شده‌است. حال آنکه «دورانداز» امروز،
 به‌ویژه در میان اصنافی مانند کیف‌سازی و
 پستائی‌سازی، بیشتر به معنای «آنچه
 دورانداختنی است» به‌کار می‌رود.

راننده

● برای راننده ترکیب‌های «راننده کشتی» و
 «راننده هواپیما» را هم به عنوان ترکیب‌هایی که
 با این کلمه ساخته می‌شوند، ذکر کرده است.

«بنویسید که حالتان چگونه است» (напишите,
 как вы себя чувствуете. ترجمه
 شده‌است.

خرده‌فروش

● برای «خرده‌فروش» معنای «دست‌فروش»
 (ЛОТОЧНИК) را هم آورده.

خزعبل

● «خزعبل» را واژه‌ای مستقل برشمرده‌است، اما
 این واژه، دست‌کم در فارسی امروز، تنها در
 شکل جمع (خزعبلات) به‌کار می‌رود.

خشکبار

● «خشکبار» ظاهراً تنها به دلیل همانندی اجزا،
 به «میوه‌های خشک» (сухофрукты) ترجمه
 شده، حال آن که خوراکی‌هایی مانند پسته،

دیگر آنکه در این فرهنگ مثال بسیار کم به‌کار رفته‌است. به گونه‌ای که در نگاه
 نخست به نظر می‌رسد فرهنگ فاقد مثال است. این مسئله کاربر فرهنگ را همواره با
 خطر اشتباه در کاربرد واژه‌های برگرفته از این فرهنگ روبه‌رو می‌سازد.
 اما همان‌گونه که گفته شد، «فرهنگ روبینچیک» دهه‌های متمادی مطمئن‌ترین
 فرهنگ فارسی به روسی موجود بوده‌است. اینکه فردی غیرایرانی بتواند تا این اندازه در
 واژه‌های فارسی و سایه‌روشن‌های معنایی آن‌ها تبحر بیابد و سرپرستی تألیف فرهنگی
 بدین بزرگی را بر عهده بگیرد، نشان‌دهنده آن است که او، جدا از دانش تخصصی،
 احساس نزدیکی ویژه‌ای به این زبان داشته‌است. همان احساسی که در سال ۱۹۴۲ /
 ۱۳۲۱ و در آغاز راهی طولانی که در پیش داشته، به وی گفته بوده‌است باید فارسی
 بیاموزد.

منابع:

Милибанд, С. М. (1975), Библиографический словарь советских востоковедов,

Москва: Наука, Главная редакция восточной литературы.

Рубинчик, Ю.А. (1970), *Персидско-русский словарь*, в двух томах, под редакцией Ю.А. Рубинчика, М.: Русский язык.

Рубинчик, Ю.А. (1991), *Лексикография персидского языка*, М.: Наука.

Соболева, Аида (2012), «Памяти учёного. Последнее интервью профессора Юрия Рубинчика», *Караван*, № 18, декабрь 2012, стр. 15-20.

روبینچیک، یوری آرونوویچ (۱۳۹۱)، دستور زبان ادبی معاصر فارسی، ترجمهٔ مریم شفقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

شجاعی، محسن (۱۳۷۱)، «فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی»، مجلهٔ زبان‌شناسی، سال ۹، شمارهٔ ۱، [تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۷۳]، ص ۷۴-۸۶.

شجاعی، محسن (۱۳۸۳)، «دستور زبان فارسی ادبی معاصر»، مجلهٔ زبان‌شناسی، سال ۱۹، شمارهٔ ۲، ص ۸۸-۱۱۰.

